

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

**عنوان رساله**

**بررسی سبک اشعار به همراه فرهنگ واژگان، اصطلاحات و کنایات**

**دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی**

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم رادفر

استادان مشاور:

دکتر تقی پورنامداریان

دکتر زهرا پارساپور

پژوهشگر :

نرگس منصوری حسن آبادی

آبان ماه ۱۳۹۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

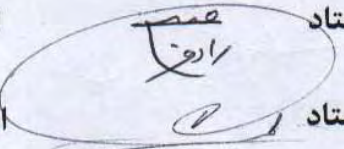
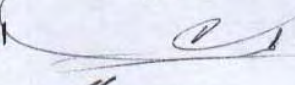

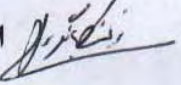
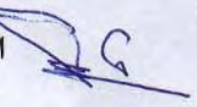

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۶

رساله‌ی تحصیلی خانم نرگس منصوری حسن‌آبادی دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

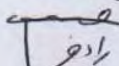
تحت عنوان:

بررسی سبک اشعار به همراه فرهنگ واژگان، اصطلاحات و کنایات  
دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی

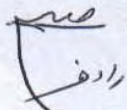
را بررسی کردند و رساله با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله، آقای دکتر ابوالقاسم رادفر با مرتبه علمی استاد امضا 
۲. استاد مشاور رساله، آقای دکتر تقی پورنامداریان با مرتبه علمی استاد امضا 
۳. استاد مشاور رساله، خانم دکتر زهرا پارساپور با مرتبه علمی استادیار امضا 
۴. استاد داور داخل گروه، خانم دکتر فرانک جهانگرد با مرتبه علمی استادیار امضا 
۵. استاد داور مدعو، آقای دکتر محمدحسن حائری با مرتبه علمی دانشیار امضا 
۶. استاد داور مدعو، آقای دکتر کاظم دزفولیان با مرتبه علمی استاد امضا 

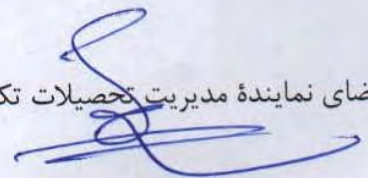
امضای رئیس پژوهشگاه



امضای مدیر گروه



امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی



## چکیده

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی معروف به «خلاق‌المعانی» از شاعران قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است که او را «آخرین قصیده‌گوی بزرگ پیش از حمله مغول» نیز می‌دانند. کمال، اگرچه در شمار شاعران طراز اول محسوب نمی‌شود، اما در دیوانش آخرین نشانه‌های شکوه قصیده کهن را می‌توان دید و به گواهی بعضی از منتقدان و صاحب‌نظران، غزلیاتش در کنار شعر انوری و ظهیر، در حوزه زبان زمینه‌ساز غزل‌های روان سعدی است.

پژوهش حاضر با عنوان بررسی سبک اشعار و فرهنگ واژگان، اصطلاحات و کنایات دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، کوششی است در جهت یافتن و شرح مختصات سبکی اشعار کمال و ذکر معانی لغات و اصطلاحات دشوار و مفاهیم کنایات آن و به طور کلی روشن نمودن وجوه مبهم اشعار او.

در این رساله پس از آوردن شرح حال مختصری از کمال، سبک اشعار او از جنبه‌های شکل، محتوا، موسیقی، صور خیال و زبان بررسی شده است. در این بررسی مشخص شد کمال بیش از هر چیز قصیده‌پردازی مدیحه‌سراست که در شعرش عناصری از سبک خراسانی و عراقی به شکلی توأمان وجود دارد و شیوه او به ویژه در زبان و آرایه‌های شعری در نوسان میان این دو سبک است.

پس از آن، فرهنگ جامعی از واژگان، اصطلاحات، کنایات و اعلام به کار رفته در شعر او به همراه معنی، مفهوم و شرح هر کدام و شاهی از دیوان ارائه شده است. در تألیف مطالب فرهنگ، از واژه‌نامه‌های متقدم (و در موارد معدودی متأخر)، کتب علمی و دانش‌نامه‌های قدیم، تفاسیر کهن، کتب تاریخ و قصص، کتاب‌های جغرافیایی قدیم و ... استفاده کرده‌ایم.

**کلیدواژه:** شعر فارسی قرن ۶ و ۷ هـ، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، سبک‌شناسی شعر، واژگان، اصطلاحات علمی، اعلام، کنایات.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش گفتار.....	ح
فصل اول: کلیات.....	۱
۱. تعریف مسئله.....	۲
۲. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش.....	۲
۳. سؤال‌های پژوهش.....	۳
۴. فرضیه‌های پژوهش.....	۳
۵. پیشینه پژوهش.....	۴
۶. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۶
فصل دوم: زندگی و شعر کمال.....	۲
بخش یکم: زندگی.....	۸
۱. نام و نسب.....	۸
۲. تولد و وفات.....	۹
۳. مذهب.....	۱۰
۴. ممدوحان.....	۱۰
۵. اطلاعات و معلومات.....	۱۱
۶. کمال و شاعران دیگر.....	۱۳
۱-۶. مکاتبات و ارتباطات.....	۱۳
۲-۶. تضمین‌ها و تأثیر پذیری‌ها.....	۱۴
بخش دوم: سبک اشعار.....	۱۷
۱. قالب‌های شعری.....	۱۷
۲. موضوع و محتوا.....	۱۸
۱-۲. مدح.....	۱۸
۲-۳. محتوای مذهبی، حکمی و اخلاقی.....	۱۸
۳-۲. وصف.....	۱۹
۴-۲. تغزل و مضامین عاشقانه.....	۲۰
۵-۲. مرثیه.....	۲۰
۶-۲. هجو و هزل.....	۲۱
۷-۲. تقاضا.....	۲۲
۷-۲. شکوه و انتقاد.....	۲۲
۳. موسیقی.....	۲۳
۱-۳. موسیقی بیرونی.....	۲۳

۲۴	۲-۳. موسیقی کناری.....
۲۴	۱-۲-۳. قافیه.....
۲۵	۲-۲-۳. ردیف.....
۲۷	۳-۳. موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی).....
۲۷	۱-۳-۳: نغمه حروف (واج آرایی).....
۲۸	۲-۳-۳. تکرار واژه.....
۲۹	۳-۳-۳. گروه جناس.....
۲۹	۱-۳-۳-۳. جناس تام.....
۳۰	۲-۳-۳-۳. جناس ناقص.....
۳۰	۳-۳-۳-۳. جناس اشتقاق.....
۳۰	۴-۳-۳. موازنه.....
۳۱	۵-۳-۳. طرد و عکس.....
۳۲	۴-۳. موسیقی معنوی (صنایع بدیع معنوی).....
۳۲	۱-۴-۳. مراعات النظیر.....
۳۴	۲-۴-۳. لف و نشر.....
۳۵	۳-۴-۳. گروه ایهام.....
۳۵	۱-۳-۴-۳. ایهام.....
۳۶	۲-۳-۴-۳. ایهام تناسب.....
۳۸	۳-۳-۴-۳. ایهام کنایی.....
۳۹	۴-۳-۴-۳. استخدام.....
۴۰	۴-۴-۳. تلمیح.....
۴۰	۱-۴-۴-۳. آیات قرآن و احادیث.....
۴۱	۲-۴-۴-۳. زندگی پیامبر اسلام(ص) و معاصران ایشان.....
۴۲	۳-۴-۴-۳. داستان‌های دیگر پیامبران.....
۴۳	۴-۴-۴-۳. اساطیر و حماسه‌ها.....
۴۳	۵-۴-۴-۳. عقاید و باورهای عامیانه.....
۴۴	۴. صور خیال.....
۴۴	۱-۴. تشبیه.....
۴۴	۱-۱-۴. وجه شبه‌های ایهامی.....
۴۵	۲-۱-۴. تشبیه تمثیلی.....
۴۷	۲-۴. استعاره.....
۴۷	۳-۴. تشخیص.....
۴۹	۴-۴. کنایه.....
۴۹	۱-۴-۴. به اعتبار ساختار.....

۵۱	..... ۲-۴-۴. به اعتبار واژگان سازنده
۵۳	..... ۵. زبان
۵۳	..... ۱-۵. نشانه‌های کهنگی زبان
۵۳	..... ۱-۱-۵. حروف اضافه، شرط و ربط به شکل قدیمی
۵۵	..... ۲-۱-۵. کلمات پهلوی یا نزدیک به تلفظ پهلوی
۵۵	..... ۳-۱-۵. واژگان مهجور
۵۵	..... ۴-۱-۵. تلفظ‌های قدیمی
۵۶	..... ۱-۴-۱-۵. تخفیف
۵۸	..... ۲-۴-۱-۵. ابدال
۶۰	..... ۳-۴-۱-۵. افزونی
۶۱	..... ۵-۱-۵. حروف اضافه دوگانه
۶۱	..... ۶-۱-۵. ساختار کهن افعال
۶۳	..... ۷-۱-۵. کاربرد فراوان «ک» تصغیر
۶۳	..... ۲-۵. واژگان و ترکیبات عربی
۶۴	..... ۳-۵. الگوهای ساخت واژه
۶۴	..... ۱-۳-۵. پیشوندها و پسوندهای پرکاربرد
۶۵	..... ۲-۳-۵. کاربرد میانوندها
۶۵	..... ۳-۳-۵. اسمها و صفات پرکاربرد در کلمات مرکب
۶۶	..... ۴-۵. واژگان و اصطلاحات علمی
۶۸	..... ۵-۵. کاربرد ضرب المثل
۷۰	..... ۶-۵. لحن عامیانه و صمیمی
۷۰	..... ۷-۵. حذف و ایجاز
۷۱	..... ۸-۵. کاربرد معادل‌های فارسی برای واژگان عربی
۷۱	..... ۹-۵. لغزش‌های زبانی
۷۲	..... نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
۸۰	..... فصل سوم: فرهنگ واژگان، اصطلاحات و کنایات
۶۴	..... نمایه‌ها
۳۸۵	..... آیات
۳۸۸	..... احادیث
۳۸۹	..... کنایات
۳۹۶	..... نام‌های کسان
۳۹۷	..... نام جای‌ها
۳۹۸	..... کتاب‌نامه

## پیش گفتار

با وجود همه تحقیقات گسترده و پرتعدادی که بر روی آثار ادبی این سرزمین صورت گرفته، هنوز متونی هستند که با وجود اهمیت و تأثیرشان در تاریخ ادبیات، از دید منتقدان ادبی دور و تا حدودی مغفول مانده و صاحبانشان در زیر سایه شخصیت‌های برجسته و مشهور پنهان شده‌اند. در حالی که اگر بخواهیم نمایی روشن و تصویری با همه جزئیات از تاریخ ادبیات فارسی داشته باشیم، نیازمند شناخت همه این آثار و نویسندگان و شاعران هستیم.

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی یکی از همین افراد است که هنوز مطالعه‌ای جدی، که همه وجوه شعر و هنر او را در بر گیرد، بر روی اشعارش صورت نگرفته است. حتی داشتن القابی چون «خلاق‌المعانی» و «آخرین قصیده‌پرداز پیش از حمله مغول» هم تلقی منتقدان و مطالعه کنندگان ادبیات را درباره او تغییر نداده و همچنان در ذهن خوانندگان شعر، به عنوان شاعری در حد متوسط باقی مانده است.

از طرفی در نقدها و پژوهش‌های ادبی، گاه به اشارات گذرایی درباره تأثیر شخصیت ادبی و اشعار او بر برخی تحولات ادبی و شعر بعضی شاعران برمی‌خوریم. به عنوان مثال، سیروس شمیسا بر این باور است که کمال، یکی از افرادی است که در کنار سنایی، انوری، جمال‌الدین عبدالرزاق و سعدی، غزل را از لحاظ لفظ ترقی و تکامل بخشیده‌اند. (شمیسا، ۱۳۶۹ الف: ۷۴) و جلال‌همایی معتقد است که وی، مبدع سبک عراقی قدیم (ر.ک. همان: ۱۹۳) و آغازگر نازک‌خیالی‌هایی است که در شعر قرن ۸ هـ. و پس از آن در اشعار سبک هندی به چشم می‌خورد. (ر.ک. همان: ۸۷-۸۸) همین اشاره‌ها در کنار مطالعه دقیق دیوان کمال، ثابت می‌کند که شعر او، حتی اگر از آثار متوسط ادبیات فارسی تلقی شود، باز شایسته توجه و درخور پژوهشی انتقادی و تحلیلی است.

هدف از نگارش رساله حاضر نیز بررسی سبک اشعار کمال و ارائه فرهنگ جامعی از واژگان، اصطلاحات و کنایات دیوان به منظور شناخت کامل‌تری از شعر و جایگاه ادبی اوست. محتوای اصلی این رساله در دو فصل تدوین شده است. در فصل «زندگی و شعر کمال» ابتدا مهم‌ترین نکاتی را که در شرح حال او قابل ذکر بود، همچون نام و نسب، زمان زندگی، مذهب، معلومات، ممدوحان و شاعران دیگری که به نحوی با آنها ارتباط داشته، آمده است. در بخش «سبک اشعار» از همین فصل، شعر کمال را بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده شعر، یعنی شکل و قالب، محتوا، موسیقی، صور خیال و زبان مورد تحلیل قرار داده ایم. در این بررسی تلاش شده شاخص‌ترین ویژگی‌های شعر او، که در ایجاد سبک شعری‌اش نقش پررنگ‌تری دارند، مورد توجه قرار گیرد. پس از ذکر هر ویژگی سعی کرده ایم مثال‌هایی را از دیوان ارائه دهیم که آن شاخصه سبکی را بهتر و روشن‌تر نشان می‌دهند.

فصل «فرهنگ واژگان، اصطلاحات و کنایات» پرجمع‌ترین قسمت این پژوهش و شامل واژگان، اصطلاحات علمی، اعلام تاریخی و جغرافیایی، ترکیبات برگرفته از آیات و احادیث و کنایات دیوان، به همراه معنی، مفهوم، شرح و توضیح آنها است. به منظور گردآوری و نگارش این فرهنگ ابتدا کل دیوان را با دقت مطالعه و همه واژگان، اصطلاحات و کنایاتی را که احساس می‌شد نیاز به شرح و معنی دارند به همراه بیت حاوی آنها، برگه‌نویسی کردیم. پس از تکمیل یادداشت‌برداری و تنظیم الفبایی برگه‌ها، هر یک از لغات، اصطلاحات، نام‌ها و کنایات را با توجه به کاربردشان در بیت معنی و شرح کردیم.



در این مرحله، از منابع گوناگونی بهره برده ایم. برای معنی واژگان از فرهنگ‌های کهن نظیر لغت فرس و صحاح/فرس و پس از آن کتاب‌هایی چون فرهنگ قواس، زفان گویا، شرف‌نامه، مجمع‌الفرس، فرهنگ رشیدی، فرهنگ جهانگیری، غیاث‌اللغات، برهان قاطع، آندراج، فرهنگ نظام و فرهنگ ناظم‌الاطباء استفاده شده است. معنی و شرح هر واژه و اصطلاح در همه این فرهنگ‌ها جست و جو و مناسب‌ترین و فصیح‌ترین آن‌ها برگزیده شده است. نگارنده سعی کرده است تا حد امکان معنی واژگان را از فرهنگ‌های کهن و نزدیک‌تر به زمان شاعر استخراج کند و در صورت نبودن آن واژه در آن فرهنگ‌ها یا عدم فصاحت و روانی معنی آن، به ناچار از واژه‌نامه‌های متأخر چون فرهنگ‌نامه پارسی، لغت نامه و فرهنگ فارسی معین استفاده کرده است. برای معنی مصادر و لغات عربی نیز کتاب‌های مصادر اللغه، کتاب‌المصادر و منتهی‌الارب مورد استفاده بوده است.

شرح اصطلاحات علمی غالباً برگرفته از منابع اصلی، یعنی کتب علمی قدیم است. مثلاً برای اصطلاحات نجوم کتاب التفهیم لأوائل صناعة التنجیم، برای اصطلاحات طب کتاب‌های هدایه المتعلمین، قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی و...، برای واژگان مربوط به داروشناسی الانبیه عن حقائق الادویه، مخزن الادویه، تحفه حکیم مؤمن و اختیارات بدیعی و برای اصطلاحات ادبی کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم مورد استفاده بوده است. از دانش‌نامه‌های کهن نظیر نزهت‌نامه علایی و مفاتیح‌العلوم، و بسیار به ندرت و تنها در صورت نیافتن توضیح روشنی در منابع اصلی از فرهنگ‌های تخصصی نیز استفاده کرده ایم.

در ذکر ترکیبات برگرفته از قرآن و احادیث، متن کامل آیه یا حدیث را آورده ایم. معنی آیات در بیشتر موارد از تفسیر ابوالفتوح رازی نقل شده اند به جز یکی - دو مورد که به جهت معنی روان‌تر، آن را از تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار برگزیده ایم.

در توضیح اعلام تاریخی دیوان، تنها به ذکر مطالب کوتاهی درباره اشخاص بسنده نشده و سعی کرده ایم تمام اشارات و تلمیحاتی را که شاعر با آوردن نام افراد در نظر داشته، توضیح دهیم. به این منظور کتب تاریخی و قصص چون قصص الانبیا، قصص قرآن مجید، مجمل‌التواریخ و القصص و تاریخ بلعمی، و نیز تفاسیری چون کشف‌الاسرار و روض‌الجنان مورد استفاده قرار گرفته اند. اعلام جغرافیایی با استفاده از کتب جغرافیایی قدیم همچون حدود‌العالم، معجم‌البلدان، سفرنامه ناصر خسرو، احسن‌التقاسیم، نزهة القلوب و البلدان شرح داده شده اند.

در ذکر کنایات سعی شده اجزای هر کنایه بر اساس بافت طبیعی کلام مرتب شوند. مثلاً از میان دو گزینه «بر هم آوردن سر و پای» و «سر و پای بر هم آوردن» شکل دوم انتخاب شده است. کنایات در فرهنگ مدخل اصلی نیستند و هر کنایه ذیل هر یک از اسامی تشکیل‌دهنده‌اش ذکر شده اما فقط ذیل یکی از واژه‌ها - که معمولاً اولین اسم یا واژه محوری است. - معنی شده است و در بقیه موارد به معنی آن در ذیل همین واژه ارجاع داده شده است. در مقایسه با واژگان، کنایات با دست و دل بازی بیشتری از دیوان استخراج شدند و حتی کنایات پیش پا افتاده‌ای چون «چشم به راه داشتن» و «درخت بر بستن» نیز در فرهنگ به چشم می‌خورد. این کار عمداً صورت گرفته و به این منظور است که تمام استفاده‌هایی را که شاعر در سطح کنایه از یک واژه کرده ذیل آن واژه مشخص شود.

برای یافتن مفهوم کنایات علاوه بر استفاده از برخی واژه‌نامه‌ها نظیر فرهنگ جهانگیری، بهار عجم و فرهنگ نظام و نیز فرهنگ کنایات سخن، از شرح و تعلیقات دیوان برخی شعرا مثل انوری و خاقانی نیز بهره برده‌ایم. بخشی از کنایات نیز با توجه به معنی بیت و بدون استناد به منبع دیگری معنی شده‌اند. برای بعضی از کنایات کم‌کاربرد و خاص، مثال‌هایی از متون دیگر در پانویس ذکر شده‌اند. ملاک ما در انتخاب این متون، هم‌زمانی با شاعر یا نزدیک بودن به زمان زیستن او بوده است. به همین دلیل مثال‌ها را عموماً از متون قرن پنجم تا هفتم برگزیده‌ایم.

پس از ذکر معنی و مفهوم برای هر واژه، اصطلاح و کنایه، یک یا دو بیت از دیوان را به عنوان شاهد آورده‌ایم. در صورتی که واژه یا کنایه در بیش از یک معنی یا مفهوم در شعر کمال به کار رفته بود، پس از ذکر هر معنی یا مفهوم، بیت مربوط به آن آورده شده است. در ذکر منابع و ارجاعات معانی و شرح و توضیحات در متن فرهنگ، واژه‌نامه‌های عمومی تنها با نام مختصر مؤلف یا کتاب و بدون ذکر شماره صفحه آورده شده‌اند و در بقیه موارد از شیوه‌نامه رایج پیروی شده است.

به منظور ارائه فرهنگ به صورت متنی یک‌پارچه و برای سهولت استفاده از آن، از تقسیم بندی آن به بخش‌های مجزاً (واژه‌ها، کنایات، اعلام) پرهیز شده است. برای تفکیک هر یک از این موارد، در انتهای رساله نمایه‌ای از اعلام جغرافیایی و تاریخی و نیز کنایاتی که در فرهنگ معنی شده‌اند، آورده‌ایم. در این نمایه‌ها، به دلیل ترتیب الفبایی و آسان‌یاب بودن آنها در فرهنگ، شماره صفحه ذکر نشده است. فهرستی از آیات و احادیث ذکر شده در فرهنگ اشعار نیز، با ذکر شماره صفحه رساله، در پایان آن آمده است.

سعی نگارنده در این رساله بر این بوده است که روشی در شرح و توضیح متون کهن ادبی و تدوین فرهنگ برای آنها ارائه دهد که بتوان از حاصل آن، به آسانی و با صرف زمانی اندک استفاده کرد. در عین حال به تمام کمی‌ها و کاستی‌های این کار آگاه است و آن را اولین گام‌های یک طفل نوره و نوپا می‌پندارد. کوششی که بدون هم‌راهی و راهنمایی بزرگان این راه و استادان گران‌مایه امکان‌پذیر نبود. پس از شکرگزاری به درگاه خداوند، بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای دکتر رادفر، استاد راهنمای این رساله، که سؤال‌های گاه و بی‌گاه مرا با رویی گشاده پاسخ می‌گفتند و از تسلط کم‌نظیرشان به ویژه در حوزه فرهنگ‌شناسی بسیار بهره برده‌ام، سپاس‌گزاری کنم. همچنین از استاد فرزانه و دانشمند، جناب آقای دکتر پورنامداریان، که زحمت مشاوره این رساله را بر عهده داشتند و از ارشادات ایشان سود جست‌ام و بهره‌گیری از جلسات درس ایشان در طول تحصیل را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانم، و نیز از سرکار خانم دکتر پارساپور، مشاور رساله، که متعهدانه و با شفقت تمام پی‌گیر تمام مراحل این کار بودند، تشکر می‌کنم.

فصل اول

کلیات

## ۱. تعریف مسئله

در زبان فارسی آثار ادبی دارای ویژگی‌های مختلف و متفاوتی هستند. در بعضی از دوره‌ها به ویژه قرون چهارم و پنجم، که اولین آثار کامل و مستقل به زبان فارسی از آن زمان‌ها باقی مانده است، سادگی، روشنی و دوری از تکلف و پیچیدگی در بیشتر جوانب متون ادبی دیده می‌شود. رفته رفته که از این دوره دور می‌شویم، در قرن ششم و پس از آن، به تدریج آثار ادبی در مختصات زبانی و عناصر ادبی دچار پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی می‌شوند و از سادگی اولیه فاصله می‌گیرند. از جمله دلایل این پیچیدگی‌ها تلاش شاعران و نویسندگان برای ایجاد پیوند میان آثارشان با حوزه‌های مختلف علوم، دوری از تکرار شیوه‌های گذشته، دست یافتن به شگردهای غیر تکراری در خلق مضامین ادبی و نو کردن فضای حاکم بر آثارشان و متفاوت نمودن آن با آثار دیگر ادیبان است. همین مسئله موجب دشواری در خوانش بعضی از این متون و دیرفهمی آنها می‌شود.

دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی یکی از همین آثار است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری پدید آمده است و رد پای تمایل به پیچیدگی و تکلف در آن دیده می‌شود. همین امر ما را بر آن داشت تا با دیدی کلی و جامع مختصات سبکی دیوان او را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم و در بخش فرهنگ اشعار دیوان، دشواری‌های لغوی و مفهومی آن را حل کنیم.

## ۲. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

تاریخ ادبیات فارسی همچون زنجیره‌ای متشکل از صدها حلقه کوچک و بزرگ است و از پربارترین و حجیم‌ترین ادبیات‌های جهان به شمار می‌آید. در این میان شاعران شناخته‌شده‌ای چون فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ و شاعران دیگری که از نظر عموم در مرتبه‌های دیگر اهمیت قرار دارند، اجزای این زنجیره پرحلقه را می‌سازند. با تقسیم کردن این تاریخ ادبیات پیوسته و طولانی به دوره‌های زمانی کوتاه‌تر و تحلیل آثار ادبی تک تک شخصیت‌های هر دوره و تفحص در آن، می‌توان زوایایی از تاریخ ادبیات فارسی را روشن نمود. در صورتی که هریک از آثار شعری از جنبه‌های گوناگون بررسی شوند و تمام جوانب، ویژگی‌ها و عناصر شعری در آنها مورد تحلیل قرار گیرد، می‌-

توانیم به توصیف و تحلیل یک پارچه و همه‌جانبه‌ای از ادبیات فارسی دست پیدا کنیم و نمایی کلی و جامع از آن پیش روی خود ترسیم نماییم.

از آنجا که بیشترین مطالعات و بررسی‌ها بر روی آثار شاعران مشهورتر و شناخته‌شده‌تر صورت گرفته است، تحقیق در شعر شاعران دیگر ضروری‌تر می‌نماید. از جمله این شاعران کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی معروف به خلاق‌المعانی است که تا به حال تمام دیوان او با نگرشی همه‌جانبه و کل‌نگر بررسی نشده و نیاز به چنین مطالعه‌ای در شعر او احساس می‌شود.

### ۳. سؤال‌های پژوهش

۱. کدام یک از قالب‌های شعری بیشتر مورد توجه کمال بوده است؟
۲. کدام یک از موضوعات شعری در اشعار کمال بیشتر به چشم می‌خورد؟
۳. کاربرد اصطلاحات علمی در شعر کمال به چه میزان است؟
۴. اصطلاحات کدام حوزه از علوم بیشتر مورد توجه او بوده است؟
۵. کدام یک از چهار حوزه موسیقی شعر (بیرونی، کناری، درونی، معنوی) برجستگی بیشتری در شعر کمال دارد؟
۶. مختصات کدام یک از سبک‌های ادبی در زبان و تصاویر شعر او دیده می‌شود؟

### ۴. فرضیه‌های پژوهش

۱. کمال به «آخرین قصیده پرداز بزرگ پیش از حمله مغول» معروف است و به نظر می‌رسد قالب قصیده بیشترین حجم دیوان وی را به خود اختصاص داده باشد.
۲. با توجه به رسم رایج میان شاعران آن دوره و رونق نسبی مدیحه‌سرایی، محتوای بیشتر اشعار کمال را موضوع مدح تشکیل می‌دهد.
۳. کمال در خلال اشعار خود به شکلی قابل توجه از اصطلاحات علمی استفاده کرده است.

۴. ممکن است اصطلاحات حوزه علم نجوم (با توجه به کثرت کاربرد این اصطلاحات در شعر معاصران کمال، چون خاقانی و انوری) بیشتر مورد توجه او بوده باشد.
۵. صنایع ادبی که بیشتر جنبه معنوی دارند (موسیقی معنوی) در ایجاد تناسبات در شعر کمال بیشترین نقش را بر عهده دارند.
۶. با توجه به زمان زندگی کمال، سبک اشعار او عناصری از سبک خراسانی و عراقی را هم‌زمان با هم دارد و سبکی است بین این دو جریان ادبی.

## ۵. پیشینه پژوهش

در بیشتر تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات نام کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و مختصری راجع به شرح حال او آمده است. آنچه درباره زندگی و شعر کمال در کتب تذکره بدان توجه شده بیشتر معطوف است به لقب «خلاق المعانی» که به او نسبت داده اند و آن را در توصیف کلی «معانی دقیقه ... که بعد از چند نوبت که مطالعه رود، ظاهر می‌شود.» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۲۶۰) تشریح کرده اند. این کلی گویی‌ها از تذکره/الشعرا به دیگر تذکره‌ها و از آنها به قلم منتقدان متأخر نیز راه یافته است. چنان که مثلاً در تاریخ ادبیات در ایران تألیف ذبیح الله صفا نیز عیناً تکرار شده است. ر.ک. (صفا، ۱۳۸۸: ج ۲، ۸۷۱) مسئله دیگر نحوه شهادت کمال است که به عنوان واقعه‌ای غریب و تأثربرانگیز از آن یاد شده و تقریباً در تمام کتب تذکره و تاریخ ادبیات نقل شده است.

از تذکره‌های متقدم که بگذریم، مقالاتی هم که به قلم معاصران نوشته شده بیشتر در مورد شرح حال کمال و مکتوباتی است که دیگران برای او نوشته اند یا قضاوتی گذرا درباره قطعه‌ای از اشعار اوست. از جمله آنهاست مقالات «تاریخ وفات کمال‌الدین اسماعیل» از عباس اقبال آشتیانی در مجله /رمغان، «نامه‌ای از شهاب‌الدین سهروردی به کمال‌الدین» در مجله دانشکده ادبیات به قلم حسین بحرالعلومی، «فخرالدین مطرزی و کمال‌الدین اسماعیل» نوشته شفیع کدکنی در فرهنگ ایران زمین، «دفاع از دو گوینده بزرگ» نوشته محمد معین در نشریه جلوه که به بحث پیرامون بیتی پرداخته که کمال از مسعود سعد تضمین کرده و حافظ از کمال نقل نموده است. در کنار همه این‌ها باید از مقدمه

دیوان کمال نوشته مصحح آن، حسین بحرالعلومی، یاد کرد که همچنان جامع‌ترین منبع درباره شرح حال اوست.

در سال‌های اخیر نیز مقالاتی درباره کمال نوشته شده که بیشتر به نقد و بررسی عناصری از شعر او پرداخته اند. از جمله آنها می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «نگاهی به سبک‌شناسی شعر کمال-الدین اسماعیل اصفهانی» نوشته پوران یوسفی کرمی، «تفحصی در شکوه‌زار کمال‌الدین اسماعیل» از ابراهیم ناقدزاده گرجی درباره سوگ سروده‌ها و نیز محتوای انتقاد و شکوه در شعر کمال، «نگاهی به برخی تلمیحات توحیدی و نبوی شعر کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی» به قلم جلیل مشیدی و ...

در کنار این مقالات، دو کتاب نیز به طور مستقل به شعر کمال‌الدین اسماعیل پرداخته اند: کتاب *جان معنی* اثر محمد مهیار در حقیقت گزیده‌ای است از اشعار خلاق‌المعانی که با مقدمه‌ای درباره اوضاع اجتماعی زمان شاعر، اختلافات مذهبی بین شافعی‌ها و حنفی‌ها در اصفهان آن عهد، نام و نسب، مولد، شرح سفرها، مذهب و مشرب و سایر ویژگی‌های زندگی شاعر آغاز می‌شود. پس از آن گزیده شعرهای او شامل ۳۰ قصیده، ۱۱ غزل و ۶۱ رباعی آمده است. نویسنده بعد از هر شعر به شرح ابیات پرداخته و لغات و ترکیبات مشکل هر بیت را در پایان شعر توضیح داده است.

*معنی بیگانه* نوشته عفت نقابی کتاب دیگری در این زمینه است که به طور خاص به جمال‌شناسی شعر کمال می‌پردازد. نویسنده در این اثر، که خلاصه‌ای از رساله دکتری اوست، سعی کرده عنوان «خلاق‌المعانی» را که به کمال نسبت داده اند، از راه بررسی صور خیال شعر او تبیین نماید و درستی این لقب را برای او به اثبات برساند. او اجزای سازنده صور خیال شعر کمال، یعنی تشبیه، استعاره، مجاز، تشخیص و کنایه را از وجوه گوناگونی مورد بررسی قرار داده است. مثلاً تمام تشبیهات به اعتبار موضوع مشبه و مشبه‌به، وجه شبه، ساختمان تشبیه و حسی و عقلی بودن طرفین آن دسته‌بندی و تحلیل آماری شده اند. یا استعاره‌ها از نظر عناصر سازنده مستعارمنه و مستعارله، تشخیص‌ها از حیث ساختمان و عناصر سازنده و کنایات از جهت ساختار دستوری، معنی و مفهوم و واژه محوری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. بخش کوتاهی از کتاب نیز به مطالبی در خصوص موسیقی و زبان شعر کمال اختصاص یافته است.

علاوه بر مقالات و کتاب‌ها، پایان نامه‌هایی نیز در موضوع شعر کمال نوشته شده است. از جمله رساله خانم عفت نقابی (جمال شناسی شعر کمال) که همان طور که ذکر شد، با عنوان معنی بیگانه به چاپ رسیده است. دیگر دو پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان سبک شناسی شعر کمال‌الدین اسماعیل به عنوان حلقه پیوند سبک خراسانی و عراقی نوشته محسن روحانی نیا در سال ۱۳۷۳ و شرح ترکیبات دیوان کمال‌الدین اسماعیل نوشته سمیه صادقیان در سال ۱۳۸۶ که به شرح معنی و ساختار دستوری برخی ترکیبات دیوان کمال پرداخته است.

## ۶. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

همان گونه که در بخش قبلی ذکر شد، حدود نیمی از آثاری که درباره کمال نوشته شده، مربوط به زندگی و شرح حال وی و بیرون از دایره نقد ادبی و بررسی اشعار اوست. از میان آنهایی هم که به بررسی عناصر شعر او می‌پردازند، نمی‌توان هیچ یک را مطالعه‌ای جامع و پژوهشی کل‌نگر به حساب آورد. مثلاً نوشته‌هایی که عنوان سبک‌شناسی شعر را بر پیشانی خود دارند، به شکلی دسته‌بندی شده و نظام‌مند عناصر شعر او را بررسی نکرده‌اند و فقط مطالبی کلی درباره آن بیان کرده یا مثال‌هایی پراکنده از دیوان ارائه داده‌اند. تنها کتاب معنی بیگانه را می‌توان تحقیقی قابل توجه دانست که آن هم فقط صور خیال شعر کمال را به شکلی همه‌جانبه و روشی علمی تحلیل کرده است. کتاب جان معنی هم که حاوی شرح و تفسیری از بعضی ابیات دشوار و ابهامات دیوان است، تنها گزیده‌ای از اشعار کمال را در بر دارد و نکات همه اشعار او را شامل نمی‌شود.

نویسنده در رساله حاضر در فصل «زندگی و شعر کمال» سعی کرده است هر یک از عناصر تشکیل دهنده شعر او را بررسی کند و در هر مورد شاخص‌ترین ویژگی‌ها را - به منظور ترسیم تصویری دقیق از شعر کمال در ذهن خواننده - مشخص نماید و در فصل «فرهنگ واژگان و ...» تلاش نموده تا حد امکان تمام مشکلات دیوان را در سطح لغات، اصطلاحات، کنایات، تعبیرات قرآنی و احادیث و اعلام حل کند و راه را برای خوانش آسان‌تر و فهم بهتر شعر کمال هموار نماید.



# فصل دوم

## زندگی و شعر کمال

## بخش یکم: زندگی

### ۱. نام و نسب

کمال‌الدین ابوالفضل اسماعیل اصفهانی از شاعران مشهور اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است. وی پسر جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و گویا یکی از چهار فرزند او بوده است. چنان که پس از مرگ پدر، در قصیده‌ای خطاب به ممدوح می‌گوید:

چو گرگ مرگ ز ناگه شبان این رمه برد ز بهر این رمه بی‌شبان تویی غم‌خور

بزرگ حقی اگر گوش بازخواهی داشت به چشم لطف در آن چار طفل خرد نگر

(دیوان: ۱۴۲)

لقب مشهور کمال‌الدین در عالم شاعری «خلاق المعانی» است. چرا که «در سخن او معانی دقیقه مضمحل است که بعد از چند نوبت که مطالعه رود، ظاهر می‌شود.» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۲۶۰) این وجه تسمیه مختصر درباره لقب «خلاق‌المعانی» از دولت‌شاه به کلام و قلم دیگر تذکره نویسان متقدم و ناقدان متأخر راه یافته بدون آن که کوشش چندانی در جهت تبیین آن صورت گرفته باشد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . در سال‌های اخیر کتابی با عنوان معنی بیگانه اثر عفت نقابی منتشر شده که به جمال شناسی شعر کمال می‌پردازد. در این کتاب نگارنده با نگاهی آماری، به تحلیل تصاویر شعری و ایماژهای شعر کمال پرداخته و از این راه، سعی در تبیین خلاق‌المعانی بودن وی کرده است.

## ۲. تولد و وفات

تاریخ تولد کمال را از روی تاریخ وفات پدرش حدس زده‌اند. جمال‌الدین در ۵۸۸ هـ. وفات یافته و کمال، با استناد به شعری که پس از مرگ پدر سروده، در آن هنگام حدود ۲۰ سال داشته است:

سمن ز بیست ار چه فزون نیست می‌شود گردون پیر از بن سئ و دو چاکرم

(دیوان: ۱۳۶)

بنا بر این بیت، کمال حدوداً در سال ۵۶۸ هـ. به دنیا آمده است. (تلخیص از مقدمه دیوان به قلم بحرالعلومی صفحه پنج) در ذکر تاریخ وفات او نیز میان تذکره نویسان اختلاف است. سال های ۶۲۸، ۶۳۵ و ۶۳۹ از جمله تاریخ‌هایی است که برای وفات او ثبت شده است. مرحوم اقبال آشتیانی با استناد به این که حمله مغول به اصفهان حدود ۶۳۳ هـ. رخ داده و کمال در این واقعه زنده بوده و حوادث را به چشم دیده است، سال ۶۳۵ را که صاحب تذکره‌الشعرا ثبت کرده (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۲۶۶) برای وفات وی بیشتر نزدیک به واقعیت می‌داند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۸: ۴۵۰-۴۵۵) حضور کمال‌الدین در واقعه هولناک حمله مغول به اصفهان از این رباعی مشهور وی استنباط می‌شود:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید

دولت‌شاه درباره وفات کمال داستانی را نقل کرده است: چون لشکر مغول به اصفهان رسید، کمال در لباس صوفیان در زاویه‌ای بیرون از شهر بود و مردم اموال خود را در زاویه او پنهان کرده بودند. مغول نیز که او را در میان مردم، محترم می‌دید، رنجی به او نرسانید. تا این که مغول بچه‌ای سنگی از کمان-گروه بر مرغی انداخت و زهگیر از دست او افتاد و در چاه غلتید. چون به طلب زهگیر او چاه را گشودند، اموال پنهان شده را یافتند و کمال را برای آشکار کردن اموال دیگر شکنجه دادند تا هلاک شد. (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۲۶۵)

### ۳. مذهب

در دوره زندگی کمال در شهر اصفهان هر دو مذهب شافعی و حنفی پیروانی داشت و خاندان آل صاعد ریاست حنفیان و آل خجند ریاست شافعیان را عهده‌دار بودند. کمال همچنان که برای خوشامد این دو خاندان هر دو مذهب را ستوده است، اما مذهب خود را آشکار نکرده و از اشعارش نمی‌توان پی به این نکته برد. از طرفی ناگزیریم بنا بر مذاهب رایج زمان، او را جزء یکی از این دو گروه پیروان بدانیم. با این حال کمال نسبت به اهل بیت پیامبر(ص) نیز اظهار ارادت نموده است. از جمله در ترکیب‌بند نعت پیامبر(ص) از امامان حسن و حسین(ع) با تعبیر «دو گوشواره زیبا» یاد می‌کند:

زین هر دو گوشواره زیبا که از تو یافت در گوش عرش حلقه منت کشیده‌ای

(دیوان: ۷)

و جایی هم علی(ع) را «مدینه علم» می‌خواند. (ص ۲۰) همچنین در قطعه‌ای قاتلان حسین(ع) را

لعن کرده است:

اگر کشنده فرزند مصطفاست یزید حدیث لعنت و نفرین او چرا نکنی؟

تو بر کشنده فرزند خود مکن لعنت چو بر کشنده فرزند مصطفی نکنی

(دیوان: ۶۲۸)

### ۴. ممدوحان

کمال قصیده‌پردازی است که به سنت شعری زمان خود، بسیاری از امرا و بزرگان را مدح گفته

است. برخی از ممدوحان وی عبارتند از:

□ از خوارزمشاهیان علاءالدین تکش، جلال‌الدین منکبرنی، غیاث‌الدین پیرشاه برادر جلال‌الدین،

ضیاء‌الدین احمد بن ابی‌بکر وزیر خوارزمشاهیان

□ از اتابکان فارس: سعد بن زنگی، ابی‌بکر بن سعد زنگی، عمیدالدین فارسی وزیر اتابک سعد

□ از آل باوند: حسام‌الدوله اردشیر بن حسن و پسرش حسن بن حسام‌الدوله

□ از آل صاعد: رکن‌الدین صاعد بن مسعود، رکن‌الدین مسعود صاعد، جلال‌الاسلام برادر مسعود

□ از آل خجند: صدرالدین عمر خجندی، عمادالاسلام خجندی

□ ممدوحان دیگر: مظفرالدین محمد بن مبارز از امرای شبانکاره، عزالدین یحیی رئیس شیعیان

عراق عجم و ...

## ۵. اطلاعات و معلومات

کمال‌الدین اسماعیل، چنان که خود می‌گوید، از سنین جوانی به کسب علوم پرداخته و در ۱۹-۲۰ سالگی جوانی فاضل به حساب می‌آمده:

مراسم از ندب فضل هفده خصل و هنوز میان نوزده و بیست می‌کنم رفتار

(دیوان: ۱۳۳)

از جمله اطلاعات و معلومات وی می‌توان به تسلط او بر زبان عربی اشاره کرد. کمال در میان اشعار خود ابیات و مصراع‌هایی به زبان عربی گنجانده و نیز رساله کوتاهی به نام «رساله القوس» به عربی نوشته است. علاوه بر آن، اشاره‌های گاه و بی‌گاه کمال به آیات و روایات و اخبار، نشان‌دهنده اطلاعات وی در این زمینه است.

گذشته از اطلاعات کمال در حوزه زبان و ادب عربی و علوم دینی، او اصطلاحات مربوط به دانش‌های گوناگون اعم از صرف و نحو، نجوم، موسیقی، ریاضی و پزشکی را نیز در شعرش به کار گرفته است که نمونه‌هایی از هر یک را در این بیت‌ها می‌بینیم:

اصطلاحات صرف و نحو:

نرگس مثال معتل و اجوف نیم از آنک ورد مضاعفم که درست و توانگرم

(دیوان: ۱۳۶)

تجاسر دو سه مجهول بر وقیعت من یقین شناس که رفع بالابتدا نبود

(دیوان: ۲۴۱)

اصطلاحات مربوط به حوزه علوم ریاضی:

آمد به گاه ضرب مصحح کسور تو زیرا که کسر و جبر تو با هم مقابل است

(دیوان: ۳۱۴)

صریر کلک تو چون ارغنون نواز شود      ز شوق گردد جذر اصم به طبع سمیع

(دیوان: ۳۵۲)

البته چنان که از ابیات پیشین مشهود است، استفاده از اصطلاحات علمی توسط کمال، بیش از آن که بر عمق اطلاعات او در زمینه این دانش‌ها دلالت داشته باشد، به منظور ایجاد تناسب میان کلمات صورت گرفته و باید آن را نوعی صنعتگری ادبی با استفاده از دانسته‌های متوسط او در زمینه علوم گوناگون به حساب آورد. به عبارت دیگر، تنها به کار بردن این واژگان در شعر، دلیل تسلط کافی او بر دقایق علوم گوناگون نیست. چنان که خود می‌گوید:

ز هیچ فن ز فنون هنر نیام خالی      اگرچه هر یک تا حد انتها نبود

(دیوان: ۲۴۰)

اصطلاحات و لغات مربوط به دانش موسیقی، از جمله نام سازها (ارغنون، بربط، چغانه، چنگ، دف، رباب، طنبور، مزهر، نای و نای بانبان)، اجزای سازها (ابریشم چنگ، خر رباب) و نیز نام پرده‌ها، مقام‌ها و نواهای موسیقی (پرده راست، پرده صفاهان، نوای خارکن و گنج بادآورد) جلوه بارزی در شعر کمال دارند.

در حوزه علم نجوم نیز کمال به نام ستارگان و منصب هر یک در نجوم احکامی و همچنین نام منازل ماه، صور فلکی و حالت‌های ستارگان اشاره‌های متعددی دارد و با هر یک از این اسامی و اصطلاحات دست به تصویرسازی‌ها و ساختن مضامین زده است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، علم طب و واژگان مربوط به آن نیز در سطحی وسیع در شعر کمال دیده می‌شوند. اشاره به نام بیماری‌ها، نحوه درمان آن‌ها، انواع داروها، مواد و خاصیت دارویی آن‌ها و راه‌های مراقبت از بیمار در شعر او نشان‌دهنده ارتباط بیشتر او با این شاخه از علم و اطلاعات وسیع‌تر او در این زمینه است. و این، شاید به آن دلیل است که مسائل مربوط به بیماری‌ها و داروها بیش از همه زمینه‌های علمی دیگر با زندگی روزمره پیوند دارد.

به منظور اطلاع از میزان کاربرد اصطلاحات علمی در شعر کمال، در بخش دوم (سبک اشعار) از همین فصل، قسمت ۵ (زبان)، تمام اصطلاحات حوزه نجوم و طب، که بیشترین کاربرد را در دیوان او داشته‌اند، دسته بندی و فهرست شده‌اند.

## ۶. کمال و شاعران دیگر

### ۶-۱. مکاتبات و ارتباطات

کمال علاوه بر پدر خود، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، که از شاعران بنام قرن ششم هجری است، با برخی از شاعران دیگر نیز هم‌نشینی و ارتباط داشته است. از جمله آن‌ها رفیع‌الدین مسعود لببانی است که صاحب تذکره هفت اقلیم او را از اقران کمال‌الدین اسماعیل دانسته است. (امین احمد رازی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۹۳۲)

به جز رفیع لببانی، که تنها همین خبر درباره دوستی او با کمال در تذکره‌ها موجود است، کمال با دو تن از شاعران دیگر مکاتبات شاعرانه داشته است. یکی رکن‌الدین دعوی‌دار از شاعران اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم که قصیده لامیه‌ای در ۳۶ بیت نزد کمال فرستاد که ابیات آغازین آن چنین است:

گر دگر بار قبولت بود ای باد شمال	پیش سلطان سخن خسرو اقلیم مقال
عرضه کن خدمت من بر وی و رمزی برگوی	ز آرزومندی من گر نبود جای ملال
اشتیاقم به کمال است و هم از غایت لطف	بود از خدمت من نیز رسانی به کمال

و کمال قصیده‌ای در همان وزن و قافیه در پاسخ آن سرود و به او فرستاد، با این مطلع:

خیر مقدم ز کجا پرسمت ای باد شمال	کش خرامیدی، چونی و چه داری احوال
----------------------------------	----------------------------------

(دیوان: ۳۸۸)

و شعر رکن دعوی‌دار را چنین می‌ستاید:

جلوه دادند مرا از تتق مشک سیاه	دخترانی به صفت غیرت ربّات حجال
سی و شش حوری سربرزده از پیرهنی	همه سیمین تن و شکرسخن و مشکین خال

(دیوان: ۳۸۹)